

## Retrieving the Hadiths of ‘Alī ibn al-Ḥasan al-Ṭāṭarī’s Books Based on the Method of "Matching Chains of Transmission with Pathways to Authors in Catalogs"

Seyed Ali Delbari<sup>1</sup>      Seyed Mahdi Ahmadi Nik<sup>2</sup>  
Reza Khoshhal<sup>3</sup>

1.Professor of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Mashhad Seminary, and Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences.

Email: [delbari@razavi.ac.ir](mailto:delbari@razavi.ac.ir)/ <https://orcid.org/0000-0001-5427-4654>

2.Professor of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Mashhad Seminary, and Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Razavi University of Islamic Sciences. Email: [ahmadinik@razavi.ac.ir](mailto:ahmadinik@razavi.ac.ir)/ <https://orcid.org/0000-0001-6976-1471>

3.Graduate of Level 4 of Mashhad Seminary and Ph.D. Student in Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences.

Email: [khoshhal.reza@razavi.ac.ir](mailto:khoshhal.reza@razavi.ac.ir)/ <https://orcid.org/0009-0009-5851-3865>

### Scientific article

Received:  
01/08/2024

Accepted:  
07/10/2024

**Abstract:** The *Uṣūl* (foundational texts) and books of the companions of the Imams (AS) are considered primary sources for the compilation of the *Four Books* of Hadith. (*Al-Kutub al-Arba‘a*, the core Shi‘ī Hadith compilations) Due to their temporal proximity to the era of the Imams (AS), these sources hold exceptional credibility and significance. Verifying the authenticity of later Hadiths derived from these sources depends on proving their origin in these *Uṣūl* and books, identifying all or parts of their content, assessing their credibility, fame, and the attention/reference they received from contemporary scholars. Traditional methods of evaluating Hadith authenticity—based solely on the reliability of narrators (*thiqa*-based chain criticism)—have led to a vast number of Hadiths being classified as "weak" (*ḍa‘īf*) and thus dismissed. This necessitates a revision in Hadith validation by retrieving *Uṣūl* and early books as critical evidence to enhance confidence in the authenticity (*wuṭūq bi-l-ṣudūr*) of narrations. This approach allows re-examining Hadiths previously deemed weak through alternative methodologies. This article aims to refine and operationalize the method of "matching the chains (*asnād*) of narrations with the transmission paths (*turuq*) documented in catalogs (*fihrist*s). Through a descriptive-analytical approach, it applies this method to retrieve the Hadiths of ‘Alī ibn al-Ḥasan al-Ṭāṭarī’s books, successfully recovering 31 Hadiths solely through this methodology. The study demonstrates how this method compensates for perceived weaknesses in the chains of transmission (*ḍa‘f al-sanad*) of these narrations, thereby revalidating their reliability.

**Keywords:** Hadith retrieval; Uṣūl (foundational sources); Ilm al-Rijāl (narrator criticism); chain-path matching; Fihrist (catalogs); al-Ṭāṭarī; authenticity revision.

**DOI:** [10.22051/tqh.2024.47899.4246](https://doi.org/10.22051/tqh.2024.47899.4246)



## بازیابی احادیث کتب علی بن حسن طاطری بر اساس روش «تطبیق

### سند روایات با طرق منتهی به صاحبان کتب در فهرست‌ها»

دکتر سیدعلی دلبری<sup>۱</sup> دکتر سیدمهدی احمدی نیک<sup>۲</sup> رضا خوشحال<sup>۳</sup>

۱. استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه مشهد و دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی،

مشهد، ایران. [delbari@razavi.ac.ir](mailto:delbari@razavi.ac.ir) / <https://orcid.org/0000-0001-5427-4654>

۲. استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه مشهد و استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی،

مشهد، ایران. [ahmadinik@razavi.ac.ir](mailto:ahmadinik@razavi.ac.ir) / <https://orcid.org/0000-0001-6976-1471>

۳. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه مشهد و دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی

رضوی، مشهد، ایران. [khoshhal.reza@razavi.ac.ir](mailto:khoshhal.reza@razavi.ac.ir) / <https://orcid.org/0009-0009-5851-3865>

#### چکیده

#### اطلاعات مقاله

اصل‌ها و کتاب‌های اصحاب ائمه<sup>(ع)</sup>، به عنوان منابع بنیادین در تألیف کتب حدیث اربعه شمرده شده و به دلیل نزدیکی زمانی به عصر ائمه<sup>(ع)</sup>، از اعتبار و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین تعیین صحت و سقم احادیثی که بعدها از آن منابع اخذ می‌شود، بر اثبات منشأیت احادیث از آن اصول و کتب، شناسایی تمام یا برخی از محتوای آن منابع، میزان اعتبار آنها و شهرت، توجه و رجوع سایر عالمان هم عصر به آن منابع متوقف می‌باشد. در روش وثوق سندی، قاعده آن است که صحت و ضعف احادیث صرفاً به وثاقت راویان سند متکی باشد و این امر موجب شده حجم بسیاری از احادیث، ضعیف و از درجه اعتبار ساقط گردد. لذا این ضرورت احساس می‌شود که با بازیابی اصول و کتب اولیه، به عنوان یکی از مهم‌ترین قرائن در افزایش وثوق به صدور، در اعتبارسنجی احادیث بازنگری شده و احادیثی که با روش فوق ضعیف قلمداد شده، با روشی متفاوت بازبینی گردد. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تنقیح و عملیاتی‌سازی روش «تطبیق اسناد روایات با طرق موجود در فهرست‌ها» و نمایاندن تأثیر عملی آن در معتبرسازی احادیثی که بعضاً ضعیف شمرده شده بود، موفق شد با بازبینی کتب «علی بن الحسن الطاطری»، و تنها بر اساس روش مذکور، ۳۱ حدیث را بازیابی و ضعف سندی عنوان شده در این تعداد حدیث را جبران نماید.

صص:

۵۹-۸۶

مقاله:

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳-۰۵-۱۱

پذیرش:

۱۴۰۳-۰۷-۱۶

بازیابی کتب، منابع کهن، علی بن حسن طاطری، تحلیل فهرستی، مصادر جوامع متقدم.

#### کلیدواژه‌ها:

استناد: مردانی، مهدی (۱۳۹۳ش). مبانی و روش‌های بازیابی متون حدیثی کهن در سایه بازیابی کتاب زیدبن‌وهب.

تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ۱۱۱(۱)، صص ۱۴۷-۱۷۵. DOI: 10.22051/tqh.2014.922

10.22051/TQH.2024.47899.4246

DOI:

ناشر: دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

## • مقدمه

مؤلفانان کتاب‌های حدیثی به‌ویژه مؤلفانان جوامع حدیثی چهارگانه متقدم، از اصول و منابع اولیه در تدوین کتاب‌های خود استفاده کرده‌اند. بسیاری از این منابع و مصادر که از آنها به اصول و کتب تعبیر می‌شود در حال حاضر موجود نیست، در حالی که نزد صاحبان کتب اربعه و دیگر مؤلفان و رجالیان متقدم موجود بوده تا جایی که رجالیان اسامی و اوصاف آن کتب و بعضاً میزان وثاقت آنها و حتی وثاقت مصادر آن منابع را هم بیان کرده‌اند. یکی از این منابع و مصادر، کتب «علی بن الحسن الطاطری» است که در فهرست‌ها از او با عنوان «صاحب کتب متعددی در موضوعات فقهی» یاد شده است و همچنین تصریح شده که او احادیثش را از راویان معتبر «الرجال الموثوق بهم و بروایاتهم» (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۲۷۲) اخذ کرده است. به دیگر سخن همچنان که راویان کتب فقهی طاطری افراد مورد وثوق و معتبر هستند خود روایت‌های آنها در این کتب نیز معتبر و مورد اعتماد است. این عبارت شیخ طوسی نسبت به مصادر کتب فقهی علی بن حسن طاطری از سویی تصریح به وثاقت خود راویان این کتب است و می‌تواند به منزله توثیق عامی برای تمامی راویان موجود در کتب فقهی او باشد (دلبری، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۳۶) و از سوی دیگر تأیید و تأکیدی بر اعتبار خود روایات مذکور در این کتب است. بر این اساس، بازیابی احادیثی که از کتب طاطری بوده است می‌تواند در ارزیابی میزان اعتبار آن حدیث مفید واقع شود تا جایی که چه بسا بتواند حدیثی را که از نظر سندی ضعیف قلمداد می‌شده به درجه صحیح برساند. این پژوهش در پی آن است که کتب علی بن حسن طاطری را بازیابی کند. به عبارت دیگر به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه روایاتی در کتب اربعه وجود دارد که مأخذ آنها کتب طاطری بوده است؟ بر اساس پاسخ این سؤال و با توجه اینکه شیخ طوسی منابع طاطری را موثق دانسته، می‌توان آن احادیث را موثق به شمار آورد گرچه با سلسله سندی ضعیف به دست ما رسیده باشند.

## ۱. پیشینه پژوهش

پیش از این مقالات و آثار ارزشمندی در موضوع بازیابی و بازسازی منابع متقدم نوشته شده است. از جمله ۱. مقاله «بازسازی "کتاب الحج" معاویه بن عمار و ارزیابی طرق روایت آن با تاکید بر احادیث زیارت»، نوشته منصور پهلوان، حسن طارمی راد و محمدحسین سهیلی؛ ۲. مقاله «بازسازی کتاب الملاحم الکبیر و تحلیل روایات غیبت آن» نوشته محمدعلی موحدی، محمدحسین حشمت پور و محمد کاظم رحمان ستایش؛ ۳. مقاله «بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه»، تألیف سیدمحمد عمادی حائری؛ ۴. مقاله «تلاش برای بازسازی کتاب المغازی أبان بن عثمان الأحرمر» تألیف رسول جعفریان؛ ۵. مقاله «روشی برای بازسازی "کتاب المزار" سعدین عبدالله اشعری»، نوشته حامد خانی؛ ۶. مقاله «مبانی و روش‌های بازیابی متون حدیثی کهن در سایه بازیابی کتاب زیدبن وهب»، به کوشش مهدی مردانی. جنبه جدید بودن و نوآوری این مقاله نسبت به بازیابی روایات کتب علی بن حسن طاطری است که تاکنون اثری درباره بازیابی کتب او نوشته نشده است. همچنین به کارگیری و استفاده از روش «تطبیق اسناد روایات با طرق منتهی به صاحبان کتب در فهرست‌ها» می‌تواند نمونه و الگویی برای تحقیقات مشابه به‌شمار آید و راه دستیابی به کتب را آسان سازد.

**تفاوت اصطلاح بازیابی و بازسازی:** بازیابی فرایند کشف و شناسایی متون یک اثر گم شده یا مفقود شده از میان منابع پسین است؛ درحالی که بازسازی عملیات بازگرداندن متون و احادیث بازیابی شده به نظم و ساختار اولیه کتاب است (مردانی، ۱۳۹۳، صص ۱۴۸ و ۱۴۹). مقصود ما در این تحقیق براساس هدفی که پیشتر بیان شد عملیات بازیابی است.

## ۲. فایده بازیابی کتب از دست‌رفته

گرچه آثار و احادیث متقدم در کتب معتبری همچون کتب اربعه موجود است، اما نسبت به بازیابی کتب قدما که در دسترس نمی‌باشد فوایدی چند مترتب است، از جمله اینکه:

۱- شناخت اعتبار منابع یک کتاب در میزان اعتبار آن کتاب تأثیر مستقیم دارد. به عنوان مثال هرچه اعتبار منابع کتاب کافی بیشتر باشد بر اعتبار کتاب کافی نیز افزوده می‌شود؛ ۲- اعتمادی که صاحبان جوامع حدیثی به منابع خود داشتند نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتبار آن منابع دارد. بنابراین یافتن و بازسازی منابع جوامع حدیثی، نشان می‌دهد که چه منابعی و به چه حد و اندازه‌ای مورد اعتماد صاحبان جوامع بوده است؛ ۳- منبع یابی می‌تواند در کشف تحریفات و تصحیفات احتمالی واقع در سند و تمییز مشترکات و مرتفع کردن ابهامات موجود در سند نسبت به روایات سنددار فاقد منبع، مؤثر باشد؛ ۴- از آنجا که بر اساس یک مبنای رجالی، با وجود طریق به کتاب، نیازی به بررسی سندی نیست، یافتن و بازیابی کتب اهمیت بسیار زیادی پیدا می‌کند؛ ۵- یافتن مصادر مکتوب یک کتاب می‌تواند در گرایش مستشرقانی که تاریخ یک اندیشه را تا زمان منابع مکتوب آن می‌دانند، اثرگذار باشد. گرچه که این گرایش در میان مستشرقان، ناشی از نشناختن ماهیت سند و نقش آن در مدارک تاریخی است (شبییری زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۸).

به عنوان مثال در صورتی که یک کتاب حدیثی متقدم بازیابی شده و اثبات شده باشد که چه احادیثی از آن کتاب نقل شده است، در صورت وجود شرایط زیر می‌توانیم طریق به کتاب را جایگزین سند ضعیف هر کدام از روایت‌های آن کتاب نماییم و از محتوای آن حدیث در فتاوا بهرمنند شویم: **الف**) اگر طریق موثق یا صحیحی به آن کتاب وجود داشته باشد؛ **ب**) حدیث مورد اعتماد بوده و به موثوق به

بودن آن در نزد رجالیانی همچون شیخ طوسی و نجاشی و... تصریح شده باشد و ج) متن آن حدیث با سند یا طریق ضعیفی در یکی از کتب اربعه نقل شده باشد. فایده مهم دیگر این است که اگر در اقوال رجالیان تصریح شده باشد که فلان راوی، کتاب یا کتبی داشته که آنها را از راویان «موثوق بهم و بروایاتهم» اخذ کرده در این صورت می‌توان از این قول به عنوان یک توثیق عام استفاده کرده و آن را قرینه خوبی بر قابل اعتماد بودن تمامی روایات آن کتب قلمداد کنیم. به عبارت دیگر میزان وثاقتی که برای کتب گزارش شده برای تک تک روایات آن نیز قابل تسری است.

### ۳. روش بازیابی کتب حدیثی

اکنون شایسته است به بررسی روش‌های بازیابی کتاب‌ها و منابع حدیثی متقدم بپردازیم و با انتخاب روش بهتر، از آن به عنوان الگویی برای بازیابی سایر منابع استفاده کنیم.

**روش اول:** اگر روایتی با همان اسنادی روایت شده که در کتاب‌شناسی‌های (فهارس) قدیم شیعی برای دفاتر حدیثی اصحاب ائمه<sup>(ع)</sup> ذکر شده است و یا دست کم به همان راوی اعلی استناد داده شده باشد که فهرست‌ها به عنوان راوی کتاب از مؤلف معرفی می‌کنند، به احتمال زیاد از همان اثر مکتوب متقدم سرچشمه گرفته است (البته در موارد بسیاری، فهرست‌ها تنها یک طریق از چند طریق را برای وصول یک کتاب یاد می‌کنند) (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳، صص ۱۵ و ۱۶).

**روش دوم:** در مواردی که شمار زیادی روایت از یک مؤلف متقدم به سند واحد نقل شود، به عبارت دیگر سلسله سند منتهی به صاحب کتاب در منابع حدیثی تکرار شده باشد، حلقه مشترک در مورد اخیر، به احتمال زیاد یک دفتر حدیثی مکتوب است

(مخصوصاً اگر آن موارد همه با هم در يك جا نقل شده باشد).<sup>۱</sup> (همان)

البته این مطلب در جای خود ثابت شده است که مجامیع متقدم حدیث بیشتر مطالب خود را از نوشته‌های پیشین برگرفته‌اند و غالباً اسناد این روایات نشانگر طریق دستیابی مؤلفان آثار بعدی به کتاب‌های پیشین است نه سند نقل شفاهی آنها. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳، ص ۱۵). گرچه تعبیر «حدثنی» که در نقل بسیاری از احادیث به کار رفته حاکی از نقل شفاهی است، اما شواهد فراوانی وجود دارد که نقل شفاهی همراه با اثر مکتوب بوده است (مردانی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱).

**روش سوم:** بر اساس روشی که شیخ طوسی و شیخ صدوق به تألیف کتب خود اقدام کرده‌اند نیز می‌توان تشخیص داد روایتی را که نقل کرده‌اند از کتاب کدام یک از راویان موجود در هر سند بوده است. روش شیخ طوسی در *التهدیب و الاستبصار* و همچنین روش شیخ صدوق در *من لایحضره الفقیه* به این صورت بوده که سند هر روایت را با نام صاحب اثر شروع می‌کرده‌اند و طریق خود تا صاحب اثر را در مشیخه ذکر می‌کردند؛ بنابراین شخصی که ما قصد بازیابی کتاب او را داریم اگر در ابتدای هر یک از اسناد *التهدیب*، *الاستبصار* و *من لایحضره الفقیه* باشد، همان حدیث یکی از احادیث کتابی خواهد بود که قصد بازیابی آن را داریم. اما در کتاب *الکافی* این روش مورد استفاده قرار نگرفته است و سلسله سند به طور کامل ذکر شده است. در این صورت برای اینکه بدانیم مرحوم کلینی هر حدیث را از کتاب کدام یک از راویان موجود در سند نقل کرده است، باید با استفاده از کتب فهرست، راویان صاحب کتاب

۱. البته اگر چند مؤلف صاحب کتاب در سند باشند، این مشکل رخ می‌نماید که کدام یک از آنها از کتاب خود نقل می‌کنند آیا مؤلفان بعدی تنها راوی کتاب مؤلفان متقدم‌اند یا آن روایت را در کتاب خود نیز آورده‌اند؟ به این موضوع در عنوان هفتم مقاله «انتقال کتب دیگران توسط طاطری» پرداخته شده است.

۲. «و اقتصرنا من ایراد الخبر علی الابتداء بذكر المصنف الذي اخذنا الخبر من كتابه او صاحب الاصل الذي اخذنا الحديث من اصله (تهدیب / الأحكام؛ المشیخه؛ ص ۴) و كنت سلكت في أول الكتاب إيراد الأحادیث بأسانیدها و علی ذلك اعتمدت في الجزء الأول و الثاني، ثم اختصرت في الجزء الثالث و عولت علی الابتداء بذكر الراوي الذي أخذت الحديث من كتابه أو أصله علی أن أورد عند الفراغ من الكتاب جملة من الأسانید بتوصل بها إلى هذه الكتب و الأصول حسب ما عملته في كتاب تهذيب الأحكام» (*الاستبصار فيما اختلف من الأخبار؛ المشیخه؛ ص ۳۰۴*)

در هر سند را شناسایی کنیم. اگر فقط یک راوی صاحب کتاب باشد معلوم می‌شود که شاگردان آن راوی صرفاً انتقال دهنده آن کتاب به کلینی بوده‌اند و مشایخ آن راوی نیز یا حدیث را به صورت شفاهی نقل کرده‌اند یا از روی کتب تألیفی دیگران قرائت کرده‌اند؛ یعنی حدیث را در قالب اجازة، مناوأة، کتابت، اعلام، وصیت و یا وجادة دریافت و منتقل کرده‌اند. در نتیجه مصدر آن حدیث همان راوی صاحب کتاب است.

اما اگر دو نفر یا بیشتر صاحب کتاب بودند، باید ببینیم آن حدیث از کدام یک از آن کتب نقل شده است. برای تشخیص این مطلب چند راه وجود دارد: الف) راه اول اینکه موضوع آن روایت را با موضوع کتب راویان صاحب کتاب موجود در سند آن حدیث مقایسه کنیم. در صورت وحدت موضوع با یک کتاب و تغایر موضوعی با کتاب دیگر، معلوم می‌شود حدیث به احتمال زیاد از کدام کتاب بوده است. ولی اگر از نظر موضوعی قابل تشخیص نبود باید از راه دوم استفاده کنیم؛ ب) راه دوم این است که با توجه به کتب فهرست ببینیم کتاب‌های صاحبان کتب که در هر سند وجود داشتند، با چه طریقی به شیخ طوسی و نجاشی رسیده است. در این صورت اگر طریقی که شیخ طوسی و نجاشی به کتب آن مؤلفان بیان کرده‌اند با سلسله شاگردان یکی از مؤلفان در هر سند مطابقت داشته باشد و با سلسله شاگردان مؤلف دیگر مطابقت نداشته باشد، در این صورت آن روایت از کتابی است که طریق به آن کتاب در فهرست‌ها با سلسله شاگردان آن صاحب کتاب در سند حدیث، مطابقت دارد. همچنین اگر دو یا سه مؤلف صاحب کتاب، در سند یک حدیث وجود داشته باشند، کتابی مصدر آن حدیث، خواهد بود که طریق به آن در فهرست‌ها با سلسله شاگردان مؤلفان صاحب کتاب در سند آن حدیث مطابقت بیشتری داشته باشد.

اگر بخواهیم قرائن دیگری برای تعیین مصدر یک حدیث بیان کنیم که در زمان

تعدد مؤلفان در یک سند مفید باشد، می‌توان به این سه قرینه اشاره کرد:



**قرینه اول:** مطابقت موضوع روایات با عنوان کتاب آن راوی یا مؤلف (البته در

صورتی که کتاب مؤلف مذکور عنوانی مشخص داشته باشد) (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۵۲).

**قرینه دوم:** اگر کلینی در یکی از سلسله اسانیدش بگوید: «حدّثنی فلان من

کتابه» و آن فلان شخص، کتابی در آن موضوع نداشته باشد معلوم می‌شود کتابی از مشایخ آن شخص در دست کلینی وجود داشته است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۸۸).

**قرینه سوم:** راویانی که در طریق به کتاب واقع می‌شوند، راویانی هستند که به

اسامی‌شان تصریح می‌شود و اصلاً عباراتی نظیر «رفعه» یا «باسناد له» در اسناد به آن کتب وجود ندارد، بلکه ظاهر این است که عباراتی نظیر «رجل» یا «بعض رجاله» یا «عمن ذکره» نیز در آن میان وجود ندارد؛ همان‌طور که تتبع در فهرست شیخ و فهرست نجاشی و مشیخه‌های کتابهای التهذیب، الاستبصار و الفقیه گواه بر این مطلب است. بنابراین اگر این عناوین مبهم را در سند مشاهده کردیم، مطمئن می‌شویم که مصدر قبل از آن عناوین مبهم بوده است و اگر قبل از آن عناوین مبهم، تنها یک راوی باشد معلوم می‌شود که او مصدر حدیث بوده است و اگر بیش از یک راوی باشد باید قرائن دیگر را جستجو کنیم (همان، ۱۹۰).

به نظر می‌رسد دلیل این مطلب آن است که راویانی که انتقال دهنده کتب و

تالیفات دیگران بوده‌اند و یا از روی آنها در فرآیند قرائت و سماع نسخه‌برداری می‌کردند، مقید بودند که حتماً نام خود و کسانی که آن کتب از طریق آنها به دستشان رسیده را در ابتدا یا انتهای نسخه‌ای ثبت کنند که خود عامل تکثیر آن بودند. به همین جهت در طریق به کتب عناوین مبهم یا مجهول دیده نمی‌شود.

#### ۴. بازتاب نام طاطری در کتب رجالی

اطلاعاتی که از علی بن حسن طاطری در میان کتب هشت‌گانه رجالی در دست است، بدین شرح می‌باشد:

علی بن الحسن بن محمد الطائی الجرمی معروف به طاطری به این نام نامیده شده به جهت اینکه فروشنده پارچه معروفی به نام طاطریه بوده و کنیه او ابوالحسن است. او فقیه بوده و در حدیثش ثقه و از چهره‌های شاخص واقفی و از شیوخ آنان است. او استاد حسن بن محمد بن سماعة صیرفی حضرمی است و (در عین حال) از او آموزش دیده است و با او در بسیاری از رجال شریک است. اما حسن از علی چیزی روایت نکرده ولی مذهب را از علی یاد گرفته است. طاطری کتاب‌هایی دارد از جمله: التوحید، الامامة، الوفاة، الصلاة، المتعة، الفرائض، الفطرة، الغيبة، المعرفة، النکاح، الطلاق، الأوقات، القبلة، المناقب، الحجج في الطلاق، الحج، الولاية، الدعاء، الحيض و النفاس. (نجاشی، ۱۳۶۵، ۲۵۴)

نجاشی دو طریق برای دستیابی به کتب او به این صورت ذکر می‌کند:

۱- «أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حدثنا علي بن حاتم قال: حدثنا محمد بن أحمد بن ثابت قال: حدثنا علي بن الحسن بكتبه كلِّها» (همان).

نجاشی	أبو عبد الله إبن شاذان	علي بن حاتم	محمد بن أحمد بن ثابت	علي بن حسن طاطری
-------	---------------------------	-------------	----------------------	---------------------

۲- «أخبرنا أحمد بن محمد بن محمد بن هارون قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد قال: حدثنا أحمد بن عمر بن كيسبة و محمد بن غالب قالوا: حدثنا علي بن الحسن بكتبه كلِّها» (همان).

علی بن حسن طاطری	أحمد بن عمر بن کیسبة	أحمد بن محمد بن سعید	أحمد بن محمد بن هارون	نجاشی
	محمد بن غالب			

علامه حلی درباره او می‌گوید: او فقیه بوده و در حدیثش ثقه می‌باشد، از اصحاب امام کاظم<sup>(ع)</sup> و واقفی و از چهره‌های شاخص آنان است (۱۴۰۲ق، ص ۲۳۲).

علی بن حسن طاطری واقفی شدید العناد و صعب العصبیه نسبت به مذهب امامیه است و کتاب‌های زیادی در راستای مذهب خودش دارد (برقی، ۱۳۴۲، ص ۴۸۲). او کتاب‌هایی در فقه دارد که آنها را از راویانی که خود و روایاتشان مورد وثوق و اعتمادند («رجال موثوق بهم و بروایاتهم») روایت کرده است. گفته شده که کتاب‌های او بیشتر از ۳۰ کتاب است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۷۲). البته بر اساس گزارشی که شیخ طوسی از فهرست ابن ندیم می‌دهد، نسبت به کتاب الامامة طاطری ردیه‌ای توسط اسماعیل بن علی بن اسحاق با عنوان «کتاب الرد علی الطاطری فی الامامة» نوشته شده است (همان، ص ۳۲).

از این تعابیر و همچنین تألیفات متعدد و تصریح به وثاقت او از سوی رجالیان استفاده می‌شود که او شخصیتی برجسته و مورد اعتماد در نزد واقفیه بوده است. شیخ طوسی در کتاب فهرست، طریق خود به تمامی روایات او را به این شکل ذکر کرده است: «أخبرنا بروایاته کلّها أحمد بن عبدون، عن أبي الحسن علي بن محمد بن الزبير القرشي، عن علي بن الحسن بن فضال و أبي الملك أحمد بن عمر بن کیسبة النهدي جميعا، عن علي بن الحسن الطاطري» (همان: ص ۲۷۲).

طوسی	أحمد بن عبدون	علي بن الحسن بن فضال
------	---------------	----------------------

علی بن حسن طاطری	أبوالمک أحمد بن عمر بن کیسبة النهدی	أبو الحسن علی بن محمد بن الزبیر القرشی		
---------------------	---	--	--	--

شیخ طوسی در مشیخه التهذیب چنین می گوید: «و ما ذکرته عن علی بن حسن الطاطری فقد اخبرني به أحمد بن عبدون عن علي بن محمد بن الزبير عن أبي الملك أحمد بن عمر بن كیسبة عن علی بن حسن الطاطری» (ص ۷۶). همچنین در مشیخه الاستبصار تنها همان یک طریقی که در الفهرست آورده را ذکر می کند (ص ۳۲۸).

### ۵. بازتاب روایات طاطری در جوامع حدیثی متقدم

از میان کتب اربعه حدیثی، روایات طاطری تنها در کتابهای کافی، التهذیب و الاستبصار موجود می باشد و هیچ حدیثی از او با هیچ کدام از عناوین نامش در من لایحضره الفقیه وجود ندارد. البته شیخ صدوق احادیث زیادی را از او در کتابهای علل الشرائع، خصال و ثواب الاعمال آورده است. اما جای سؤال باقی است که چرا از او در کتاب من لایحضره الفقیه حدیثی ذکر نکرده است؟ شاید علت این مطلب عدم وجود شرط سوم از شهادات سه گانه ای باشد که شیخ صدوق در ابتدای من لایحضره الفقیه آن را بیان کرده، زیرا هرچند طاطری کتبش را از «رجال موثوق بهم و بروایاتهم» اخذ کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۷۲) و گرچه طایفه شیعه به آنچه طاطریون روایت کرده اند، مادامی که مخالفی وجود نداشته باشد عمل می کنند.<sup>۱</sup> اما شاید این کتب در نظر شیخ صدوق دارای معیار «عَلَيْهَا الْمُعَوَّلُ وَ إِيَّهَا الْمُرْجَعُ»<sup>۲</sup> نبوده و به این جهت از کتب طاطری استفاده نکرده است.

۱. «عملت الطائفة بأخبار الفطحية مثل عبدالله بن بكير وغيره وأخبار الواقفة مثل سماعة بن مهران، و علي بن أبي حمزة و عثمان بن عيسى و من بعد هؤلاء بما رواه بنو فضال و بنو سماعة و الطاطريون وغيرهم فيما لم يكن عندهم فيه خلافة» (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۰).

اما شیخ حر عاملی در *وسائل الشیعه* روایات زیادی از او نقل کرده است. همچنین در *کافی* ۲۷ سند، در *التهذیب* ۸۱ و در *الاستبصار* ۴۰ سند وجود دارد که علی بن حسن طاطری یکی از راویان آنها است. در مجموع ۱۴۸ سند در کتب اربعه هست که او در میان راویان آنها وجود دارد. بعضا با عناوین مختلفی از او اسم برده شده از جمله: علی بن حسن، الطاطری، علی الجرمی، علی، در مواردی هم نام او تحریف شده و به صورت: علی بن سکن، علی بن حسن بن رباط، علی بن محمد، الحسن بن علی بن فضل ذکر شده است.

#### ۶. تعداد روایات و واسطه‌های راوی تا امام معصوم<sup>(ع)</sup>

از آنجا که قصد ما بازبایی کتب علی بن حسن طاطری است پس باید در گام اول منابعی را شناسایی کنیم که او از آنها حدیث اخذ کرده است. چون آنچه که او نوشته و با عنوان کتاب تألیف نموده احادیثی است که از مشایخ خود اخذ و یا مستقیم از امامان معصوم<sup>(ع)</sup> شنیده و مکتوب کرده است.

در کتب اربعه، طاطری واسطه نقل ۱۰۹ روایت از امام صادق<sup>(ع)</sup> بوده است. از میان این ۱۰۹ روایت، افراد و طرق مشترکی تا امام صادق<sup>(ع)</sup> وجود دارد. در جدول زیر ۴ چهار نمونه پرتکرار از اسناد با مشایخ مشترک را می‌بینیم.

جدول ۱: چهار نمونه از اسناد پرتکرار تا امام صادق<sup>(ع)</sup> در کتب اربعه

۱	علی بن حسن طاطری	محمد بن ابی حمزة ثمالی	عبدالله بن مسکان	یحیی ابوبصیر الاسدی	امام صادق <sup>(ع)</sup>	۷ سند
۲	علی بن حسن طاطری	محمد بن ابی حمزة ثمالی	عبدالله بن مسکان	محمد بن علی بن ابی شعبه الحلبی	امام صادق <sup>(ع)</sup>	۶ سند
۳	علی بن حسن طاطری	درست بن ابی منصور	عبدالله بن مسکان	یحیی ابوبصیر الاسدی	امام صادق <sup>(ع)</sup>	۵ سند

۵ سند	امام صادق (ع)	محمد بن علی بن ابی شعبة الحلبی	عبدالله بن مسکان	درست بن ابی منصور	علی بن حسن طاطری	...
-------	---------------	--------------------------------	------------------	-------------------	------------------	-----

بر اساس سند اول از این جدول، علی بن حسن طاطری در ضمن هفت سند از محمد بن ابی حمزة ثمالی و او از عبدالله بن مسکان و او از یحیی ابوبصیر الاسدی و او از امام صادق (ع) حدیث نقل می‌کند. در سایر موارد نیز چنانکه نشان داده شده یک سند شش بار و دو سند دیگر هر کدام پنج بار تکرار شده‌اند.

تعداد مشایخی که طاطری به صورت مستقیم از آنها حدیث اخذ کرده در کتب اربعه ۱۸ نفر هستند و هر کدام از این ۱۸ نفر خود مشایخی دارند که بعضا با یک، دو یا سه واسطه به امام معصوم (ع) می‌رسند.

همچنین تعداد شاگردانی که از طاطری به صورت مستقیم نقل روایت کرده‌اند، ۱۲ نفر می‌باشند که هر کدام از این ۱۲ نفر خود شاگردانی دارند که با چندین واسطه به صاحبان کتب اربعه می‌رسند.

## ۷. انتقال کتب دیگران توسط طاطری

برای بازسازی یک کتاب باید احراز شود که خود مؤلف آنها را نوشته است. بنابراین باید نگاشته‌هایی را جدا نماییم که مؤلف صرفا در انتقال آنها نقش داشته و یا از دیگر مؤلفان اخذ نموده و فقط آنها را قرائت، تبلیغ یا تدریس کرده، بدون اینکه خود تألیف کرده باشد.

گاهی در انتقال حدیث، مخصوصا به روش قرائت و سماع، راوی آن اثر مکتوب را عینا نوشته و این نوشته خود را انتقال می‌دهد، گرچه خود صرفا در مسیر انتقال یک اثر مکتوب قرار گرفته است (مفید، ۱۴۰۰، ص ۱۳۸). در این گونه موارد، این راوی را نباید صاحب اثر یا مؤلف کتاب تلقی کنیم زیرا صرفا اقدام به استنساخ از کتاب دیگری کرده و سبب تکثیر آن شده است. بنابراین وقتی که مرحوم نجاشی یا

شیخ طوسی در فهرست خود از صاحبان کتاب نام می‌برند، باید اطمینان یابیم این کتابی که از آن اسم برده شده، اثری تحت یک عنوان خاص مثلا فقهی بوده و از مشایخ متعدد در آن موضوع خاص فقهی اخذ و جمع‌آوری شده است و الا اگر تمام احادیث یک کتاب صرفا از یک استاد یا شیخ اخذ و نوشته شده باشد، معلوم می‌شود که راوی در مقام استنساخ کتاب بوده است نه تألیف آن.

در این قسمت مجموعه کسانی که طاطری صرفا وسیله انتقال آثار آنان بوده را ذکر می‌نماییم.

۱. براساس نقل نجاشی، ابوساسان کتابی داشته که به واسطه محمد بن ابی حمزة به طاطری رسیده است و از طاطری به واسطه عبیدالله بن احمد بن نهیک، از او به واسطه جعفر بن محمد و از او به واسطه محمد بن عثمان به نجاشی رسیده است.

«ابوساسان: کوفی، روی عن أبي عبدالله عليه السلام. له كتاب. أخبرنا محمد بن عثمان عن جعفر بن محمد، عن عبیدالله بن احمد بن نهیک قال: حدثنا علي بن الحسن الطاطري قال: حدثنا محمد بن أبي حمزة، عن أبي ساسان بكتابه» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۵۹).

نکته حائز اهمیت در این نقل مرحوم نجاشی استفاده از دو تعبیر «اخبارنا» و «حدثنا» است که به یک معنا نیست؛ بلکه تعبیر «حدثنا/حدثنی» گویا ظهور در روش قرائت و سماع دارد و تعبیر «اخبارنا/اخبارنی» حاکی از دریافت کتاب به روش اجازه است (رک: مفید، ۱۴۰۰، ص ۱۲۷). چنان که مشاهده می‌کنیم نجاشی در این طریق دو بار از تعبیر «حدثنا» و یک بار از تعبیر «اخبارنا» استفاده کرده است.

نجاشی → اجازه → محمد بن عثمان → عن جعفر بن محمد → عن عبیدالله بن احمد بن نهیک → قرائت و سماع → علی بن حسن طاطری → قرائت و سماع → محمد بن ابی حمزة → عن ابوساسان

در تمامی مواردی که نجاشی نام صاحبان کتب را ذکر می‌کند همیشه تعبیر «اخبرنا» بعد از تعبیر «حدثنا» است و این یعنی در اوائلی که کتابی تألیف می‌شده به روش قرائت و سماع و استنساخ منتقل و پس از مدتی که نسخه‌ها زیاد می‌شد به روش اجازه منتقل می‌شده است.

اما سؤال مهم در اینجا این است که نجاشی با مشاهده چه چیزی در کتاب متوجه می‌شود که آنچه در دست دارد نسخه‌ای از کتاب ابوساسان است نه کتاب طاطری یا چهار نفر دیگر؟

برای پاسخ به این سؤال اولاً باید بدانیم که نجاشی و شیخ طوسی خود به این مطلب تصریح کرده‌اند که کتب بسیاری را از طریق قرائت و سماع دریافت نموده‌اند (مفید، ۱۴۰۰، صص ۱۲۳-۱۲۶)، گرچه ممکن است اسامی برخی از کتب و مؤلفانی را که در فهرست خود آورده‌اند از کتب فهرست کوچک‌تری که در آن روزگار موجود بوده مثل فهرست ابن‌ندیم اخذ کرده باشند و یا ممکن است از طریق اجازه، مناوَله، وصیت یا وجادة به دست آورده باشند. در مورد کتاب ابوساسان، نجاشی تصریح به «اخبرنا» کرده و این یعنی نجاشی احتمالاً از محمدبن عثمان اجازه کتبی اخذ نموده مبنی بر اینکه احادیث کتابی را نقل نماید که به نام ابوساسان از او گرفته است.

با استفاده از این تعبیر نجاشی که می‌گوید: «... عبیدالله بن احمد بن نهیک قال: حدثنا... عن أبي ساسان بكتابه». با توجه به این نکته که "حدثنا" به انتقال حدیث به روش قرائت و سماع اشاره دارد و همچنین این نکته که روش قرائت و سماع همراه با استنساخ بوده (همان، صص ۱۰۸-۱۲۷)، معلوم می‌شود نسخه‌ای مکتوب از کتاب ابوساسان تا زمان عبیدالله بن احمد بن نهیک وجود داشته و تکثیر شده و پس از آن هم به روش اجازه یا روشی دیگر منتقل شده است.

بنابراین باید در ابتدای هر کدام از کتاب‌هایی که در نزد نجاشی و شیخ طوسی بوده است و ایشان لیست آن کتاب‌ها را در دو کتاب فهرست خود آورده‌اند، نام



سلسله افرادی درج شده باشد که واسطه انتقال آن کتاب از نویسنده آن تا نجاشی و شیخ طوسی بوده‌اند.

احتمالی که به نظر می‌رسد قوی‌تر باشد و شواهد تاریخی نیز آن را تأیید می‌کند، این است که انتقال حدیث خصوصا در زمان‌های نزدیک به ائمه، به روش قرائت و سماع بوده است. این شیوه مهم‌ترین و رایج‌ترین شیوه انتقال حدیث در میان اصحاب امامان<sup>(ع)</sup> بوده است.

براین اساس باید ابوساسان کتابی را که خود تألیف کرده است، برای شاگردانش از جمله محمد بن ابی حمزه قرائت کرده باشد، او استماع کرده و همچنین نوشته باشد. به علاوه باید در ابتدا یا انتهای نوشته خود قید کرده باشد که آنچه در این کتاب نوشته است را از ابوساسان استماع کرده و مکتوب نموده است. سپس محمد بن ابی حمزه نیز همین کتابی را که خود استنساخ کرده است برای شاگردانش قرائت کرده از میان شاگردان برخی از جمله طاطری آنچه را که استماع کرده نوشته و مکتوب نموده و در ابتدا یا انتهای نوشته خود قید کرده‌اند که هر آنچه در این کتاب نوشته است را از محمد بن ابی حمزه و او از ابوساسان نقل کرده است. همین عملیات را عبیدالله بن احمد بن نهیک و جعفر بن محمد نیز انجام داده‌اند. نسبت به محمد بن عثمان که نجاشی تعبیر "اخبرنا" از او کرده است، باید بگوییم احتمالا بدون آنکه نسخه برداری کرده باشد و صرفا با اجازه در نقل احادیث، آن را به نجاشی منتقل کرده است. البته این احتمال نیز وجود دارد که جعفر بن محمد نیز بدون استنساخ از روی کتاب و صرفا با اجازه یا روش‌های دیگر آن را منتقل کرده باشد.

بنابراین کتابی که به دست نجاشی رسیده است، نسخه‌ای است که از محمد بن عثمان اخذ کرده و در ابتدا یا انتهای آن تصریح شده که آنچه در این کتاب نقل کرده‌ام یا آنچه از این کتاب قرائت یا تدریس می‌کنم را از جعفر بن محمد اخذ

نموده‌ام که او از عبیدالله بن احمد بن نهیک و او از علی بن حسن طاطری و او از محمد بن ابی حمزة و او از ابوساسان استماع و کتابت کرده است.

بر اساس فهرست نجاشی علاوه بر ابوساسان، هفده نفر دیگر از مؤلفان کتب وجود دارند که علی بن حسن طاطری صرفاً منتقل کننده آثار آنان بوده است و در غالب موارد آثار آنان را کتابت نیز کرده است. دلیل این مطلب استفاده (در اکثر موارد) از تعبیر "حدثنا" هنگام آوردن نام طاطری در فهرست نجاشی است.

اسامی آن هفده نفر از این قرار است: ابومخلد السراج (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۵۸)؛ یحیی بن عبدالرحمن الأزرق (همان، ص ۴۴۴)؛ الفضل بن عثمان المرادی (همان، ص ۳۰۸)؛ علی بن ابی حمزة (همان، ص ۲۴۹)؛ عبدالله بن عبدالرحمن بن عتیبة الأسدی کوفی (همان، ص ۲۲۱)؛ عبدالله بن وضاح أبو محمد (همان، ص ۲۱۵)؛ زکریا بن یحیی الواسطی (همان، ص ۱۷۳)؛ رقیم بن ایاس بن عمرو البجلی (همان، ص ۱۶۸)؛ داود بن سرحان (همان، ص ۱۵۹)؛ ایوب بن نوح (همان، ص ۱۰۲)؛ أحمد بن رباح (همان، ص ۹۹)؛ محمد بن مسلمة (همان، ص ۳۶۹)؛ عقبه بن محرز الجعفی (همان، ص ۲۹۹)؛ عمرو بن ایاس (همان، ص ۲۸۹)؛ الضحاک أبو مالک الحضرمی (همان، ص ۲۰۵)؛ داود بن ابی یزید (همان، ص ۱۵۸)؛ درست بن ابی منصور (همان، ص ۱۶۲).

همچنین در فهرست شیخ طوسی نیز هشت نفر وجود دارند که علی بن حسن طاطری صرفاً منتقل کننده کتب آنها بوده است. اسامی آنها به این ترتیب است: إسماعیل القصیر (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۶)؛ بسطام بن سابور (همان، ص ۱۹۸)؛ الحسین بن مصعب (همان، ص ۱۴۹)؛ حذیفة [بن منصور] (همان، ص ۱۶۷)؛ درست [الواسطی] (همان، ص ۱۸۶)؛ عمر [بن سالم] (همان، ص ۳۲۸)؛ عمر [بن منهال] (همان، ص ۳۲۹)؛ أبو الصباح (همان، ص ۵۴۳).

این افراد تنها کسانی هستند که جزو مشایخ و یا حداکثر هم عصران علی بن حسن طاطری هستند و طاطری صرفاً در انتقال کتب آنان نقش داشته است؛ یعنی اگر تمامی اسنادی را که علی بن حسن طاطری یکی از راویان آنها است جمع‌آوری کنیم

و در میان تمامی آن اسناد، همه مشایخ طاطری را در نظر بگیریم در این صورت اگر یکی از این اسامی فوق در میان آن مشایخ وجود داشته باشد این احتمال ایجاد می‌شود که آن حدیث از کتاب طاطری اخذ شده یا از کتاب یکی از این افراد. اما ممکن است از میان شاگردان طاطری هم کسانی باشند که مؤلف کتاب باشند. بنابراین باید صاحب کتاب بودن یا نبودن شاگردان طاطری را هم بررسی نماییم.

## ۸. بازیابی احادیث با روش «تطبیق اسناد روایات با طرق موجود

### در فهرست‌ها»

بر اساس روش اول بازسازی کتب حدیثی که در این مقاله تبیین شد باید در میان کتب حدیثی به دنبال اسنادی بگردیم که دقیقاً مطابق با طرق ذکر شده در فهرست شیخ طوسی و فهرست نجاشی باشد. چون هر حدیثی که چنین سندی داشته باشد بدون شک از همان منبع مکتوبی ذکر شده که در دست شیخ طوسی و نجاشی بوده است. طریقی که بر اساس فهرست نجاشی و شیخ طوسی به کتب علی بن حسن طاطری می‌رسد این سه سند است که خود مشتمل بر پنج طریق می‌باشد.

جدول ۲: طرق نجاشی و شیخ طوسی به کتب علی بن حسن طاطری

نجاشی	ابوعبدالله ابن شاذان	علی بن حاتم	محمد بن احمد بن ثابت	علی بن حسن طاطری
نجاشی	احمد بن محمد بن هارون	احمد بن محمد بن سعید	احمد بن عمر بن کیسه	علی بن حسن طاطری
			محمد بن غالب	
طوسی	احمد بن عبدون		علی بن الحسن بن فضال	

علی بن حسن طاطری	ابی الملک احمد بن عمر بن کیسبة النهدی	ابوالحسن علی بن محمد بن الزبیر القرشی		
------------------	---------------------------------------	---------------------------------------	--	--

حال طریق اول نجاشی یعنی: «ابوعبدالله ابن شاذان عن علی بن حاتم عن محمد بن احمد بن ثابت عن علی بن حسن طاطری» در میان اسناد کتب اربعه با استفاده از نرم افزار درایة النور جستجو شد؛ هیچ سندی به این صورت در کتب اربعه یافت نمی شود. معلوم می شود کتبی از طاطری که در دست کلینی، شیخ طوسی و شیخ صدوق بوده غیر از کتابی بوده که با طریق مذکور در دست نجاشی وجود داشته است.

طریق دوم نجاشی به کتب طاطری «احمد بن محمد بن هارون عن احمد بن محمد بن سعید عن احمد بن عمر بن کیسبة و محمد بن غالب عن علی بن حسن طاطری» است. این طریق در صورتی که احمد بن عمر بن کیسبة حضور داشته باشد و محمد بن غالب حضور نداشته باشد در میان احادیث کتب اربعه وجود ندارد و مانند صورت قبلی حاکی از آن است که این نسخه از کتاب هم در دست صاحبان کتب اربعه نبوده است؛ اما در صورتی که محمد بن غالب حضور داشته باشد و احمد بن عمر بن کیسبة حضور نداشته باشد دو حدیث با تفاوت اندکی در طریق، که شاید قابل جبران باشد در /تهذیب شیخ طوسی وجود دارد. طریق دوم نجاشی با حضور محمد بن غالب و بدون حضور احمد بن عمر بن کیسبة این بود:

علی بن حسن طاطری	محمد بن غالب	احمد بن محمد بن سعید بن عقدة	احمد بن محمد بن هارون	نجاشی
------------------	--------------	------------------------------	-----------------------	-------

در این میان محمد بن غالب کتابی با عنوان کتاب /النوادیر داشته است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۴۰). همچنین احمد بن محمد بن سعید بن عقده نیز خود مؤلف کتب فراوانی بوده است (همان، ۹۴؛ طوسی، ۱۴۲۰، ق، ۶۸). اما در اینجا که راویان، طریق نجاشی

به کتب طاطری هستند صاحب کتاب بودن آنها خللی در بحث ایجاد نمی‌کند، زیرا وقتی نجاشی این افراد را به عنوان طریق به کتاب ذکر می‌کند یعنی نسخه‌ای از کتاب طاطری را در اختیار دارد که در ابتدا یا انتهای آن این سلسله افراد ذکر شده‌اند. بله اگر سند یک حدیث را به تنهایی بررسی کنیم باید صاحب کتاب بودن یا نبودن تک تک راویان را احراز کنیم تا بتوانیم با شواهد و قرائن دیگر تشخیص دهیم آن حدیث از کدام کتاب بوده است.

ناگفته نماند دو حدیث در *التهدیب* شیخ طوسی وجود دارد که تقریباً با این طریق نجاشی مطابقت دارد با این تفاوت که در سند این دو حدیث به جای احمد بن محمد بن هارون، احمد بن محمد ابوغالب الزراری قرار دارد. همچنین به جای نجاشی به شیخ طوسی رسیده است. از آنجا که احمد بن محمد بن هارون معروف به ابن الصلت، واسطه تمامی روایات شیخ طوسی از احمد بن محمد بن سعید بن عقده بوده<sup>۱</sup>، شاید بتوانیم در سند این دو حدیث در *التهدیب* به جای احمد بن محمد ابوغالب الزراری همان احمد بن محمد بن هارون که در طریق نجاشی بود را در نظر بگیریم و بگوییم این دو حدیث مطابق با طریق دوم نجاشی، به کتب طاطری است و این دو را جزو محتوای کتب طاطری بدانیم. به عبارت دیگر همانگونه که احمد بن محمد بن هارون نسخه‌ای از کتاب طاطری را نوشته که در دست احمد بن محمد بن سعید بن عقده قرار داشته و به نجاشی داده، احمد بن محمد ابوغالب الزراری هم همان نسخه از کتاب طاطری را که در دست احمد بن محمد بن سعید بن عقده بوده نوشته و به شیخ طوسی داده است؛ پس فرق چندانی در کار نیست که راوی آخر احمد بن محمد ابوغالب الزراری باشد یا احمد بن محمد بن هارون. سند آن دو حدیث از این قرار است:

۱. احمد بن محمد بن هارون که به ابن الصلت در کتب فهرست شناخته می‌شود، استاد شیخ طوسی و نجاشی و خطیب بغدادی بوده و تمام آنچه را شیخ طوسی در *التهدیب* و *الاستبصار* و *الامالی* و *الفهرست* و باقی کتبش از ابن عقده نقل کرده به واسطه ابن الصلت دریافت کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۸).

شیخ طوسی ۱	احمدبن محمد الزراري	احمدبن محمد بن سعیدبن عقدة أبي غالب	محمدبن محمدبن أبي غالب	علي بن الحسن الطاطري	محمد بن زياد	إسحاق بن جرير	أبو عبدالله عليه السلام
شیخ طوسی ۲	احمدبن محمد الزراري	احمدبن محمد بن سعیدبن عقدة أبي غالب	محمدبن محمدبن أبي غالب	علي بن الحسن بن فضال (تصحيف شده الطاطري)	محمد بن أبي حمزة	أبو الصباح صبيح بن عبدالله	قال سألت أبا عبد الله عليه السلام ...

این دو حدیث هر دو در موضوع افطار روز سی ام ماه رمضان بر اساس رؤیت هلال ماه شوال است. این اتحاد موضوع، خود می تواند قرینه ای باشد بر اینکه هر دو از یک منبع اخذ شده اند.

حال طریق سوم که در ابتدای این مبحث به آن اشاره شد که طریق شیخ طوسی به کتب طاطری بود را بررسی می کنیم. این طریق که خود شامل دو طریق می شود از این قرار بود:

شیخ طوسی	احمدبن عبدون	علي بن محمدبن الزبير القرشي	علي بن الحسن بن فضال
			و ابو الملك احمدبن عمر بن كيسبة النهدی
			علي بن حسن طاطري

۱. التهنيد، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۶۲، ح ۴۵۸/موثق.

۲. همان، ص ۱۶۵، ح ۴۶۸/ضعيف مهمل.

در این طریق در صورتی که علی بن الحسن بن فضال حضور داشته باشد و ابوالملک احمد بن عمر بن کیسبه النهدی حضور نداشته باشد، تنها یک حدیث در *التهدیب* شیخ طوسی وجود دارد. آن یک حدیث این است: «موتق / [محمد بن الحسن بن علی الطوسی] [مشیخه فقد أخبرني به احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر سماعا منه و إجازة عن علي بن محمد بن الزبير عن [علي بن الحسن بن فضال عن علي بن الحسن الجرمي عن محمد بن زياد بن عيسى عن أبان بن عثمان عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام...» (ج ۹، ص ۲۷۹، ح ۱۰۱۱).

اما از آنجا که شیخ طوسی این حدیث را در *التهدیب* با نام علی بن الحسن بن فضال شروع کرده نه با نام طاطری، معلوم می‌شود این حدیث را از کتب علی بن الحسن بن فضال أخذ کرده نه از کتب طاطری.

در طریق شیخ طوسی در صورتی که علی بن الحسن بن فضال حضور نداشته باشد و ابوالملک احمد بن عمر بن کیسبه النهدی حضور داشته باشد، تعداد ۳۲ حدیث وجود دارد که یکی در *الاستبصار* و مابقی در *التهدیب* شیخ طوسی است. از میان این ۳۲ حدیث ۲۸ مورد در موضوع صلاة، ۳ مورد در موضوع نکاح و ۱ مورد در موضوع طلاق است. علاوه بر این وحدت موضوع، مهم‌ترین نشانه‌ای که دلالت بر اخذ این ۳۲ حدیث از کتب علی بن حسن طاطری دارد این است که شیخ طوسی چنانکه قبلا نیز بیان شد در *التهدیب* و *الاستبصار* سلسله سند حدیث را با نام صاحب کتاب شروع می‌کند و در تمام این ۳۲ حدیث، سلسله روایات با نام طاطری شروع شدند.<sup>۱</sup> این ۳۲ حدیث از این قرارند که به جهت مراعات اختصار به ذکر آدرس آنها اکتفاء می‌کنیم:

<sup>۱</sup> . دستیابی به این احادیث بر اساس روش اول بازیابی کتب که مطابقت سلسله اسناد با طرق مذکور در *الفهرست نجاشی* و طوسی باشد با استفاده از قسمت شیخ و شاگرد در برنامه *درایة النور* انجام شد. به این صورت که از میان شاگردان ذکر شده در قسمت «روی عنه» در نرم‌افزار به دنبال شاگردی می‌گردیم که در *فهرست نجاشی* و طوسی به عنوان نزدیک‌ترین نفر به طاطری ذکر شده باشد. اگر موجود بود باز در میان شاگردان این فرد به دنبال شاگردی می‌گردیم که در *الفهرست نجاشی* و طوسی به عنوان نفر بعدی در سمت شاگردان طاطری ذکر شده است. و به همین

الاستبصار، ج ۱، ص ۲۹۰، ح ۱۰۶۵/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۲۳، ح ۶۴/الصلاة؛  
 التهذیب، ج ۲، ص ۲۳، ح ۶۵/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۲۳، ح ۶۶/الصلاة؛ التهذیب،  
 ج ۲، ص ۴۲، ح ۱۳۳/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۳۴/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲،  
 ص ۴۳، ح ۱۳۵/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۳۷/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۳،  
 ح ۱۳۸/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۵، ح ۱۴۳/الصلاة - التهذیب، ج ۲، ص ۴۶،  
 ح ۱۴۹/الصلاة - التهذیب، ج ۲، ص ۴۶، ح ۱۵۰/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۷،  
 ح ۱۵۳/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۷، ح ۱۵۴/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۴۱،  
 ح ۵۴۹/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۶۷، ح ۶۶۱/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۶۷،  
 ح ۶۶۲/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۶۷، ح ۶۶۳/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۶۸،  
 ح ۶۶۵/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۶۸، ح ۶۶۶/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۷۱،  
 ح ۶۸۰/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۶۸۱/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۷۱،  
 ح ۶۸۱/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۶۹۴/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۷۴،  
 ح ۶۹۵/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۳۸۲، ح ۱۵۹۶/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۳۸۳،  
 ح ۱۵۹۷/الصلاة؛ التهذیب، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۱۵۹۸/الصلاة؛ التهذیب، ج ۸، ص ۱۵۸،  
 ح ۵۴۷/الطلاق؛ التهذیب، ج ۷، ص ۲۹۸، ح ۱۲۴۶/النکاح؛ التهذیب، ج ۷، ص ۲۹۸،  
 ح ۱۲۴۷/النکاح؛ التهذیب، ج ۷، ص ۳۱۱، ح ۱۲۹۱/النکاح.

حدیث مذکور از الاستبصار تکرار یکی از احادیث مذکور در التهذیب است. با کسر  
 این یک مورد می‌توانیم نتیجه بگیریم که تعداد ۳۱ حدیث موجود در تهذیب/الاحکام  
 شیخ طوسی از کتب علی بن حسن طاطری اخذ شده است.

تمامی این ۳۱ حدیث بر اساس معیارهای سند شناسی متأخرین، «ضعیف مهمل»  
 شناخته شده است و علت این امر وجود «احمد بن عمر بن کیسبة النهدی» در سند  
 این ۳۱ روایت است که چون اطلاعاتی از او در کتب رجالی در دست نیست، احادیثی

---

ترتیب تا به خود شیخ طوسی و نجاشی برسیم. در نتیجه حکم می‌کنیم به اینکه نسخه‌ای از کتاب که در دست نجاشی  
 و شیخ طوسی بوده عینا یا با تفاوت اندکی در نسخه در دست صاحبان کتب اربعه نیز بوده است.



که از او روایت شده باشد ضعیف قلمداد می‌شود. اما از آنجا که در نزد قدماء معیار پذیرش احادیث بر اساس نظام تجمیع قرائن استوار بوده، وجود نام «احمد بن عمر بن کیسبه النهدی» در مشیخه التهذیب و فهرست شیخ طوسی به علاوه تصریحی که شیخ طوسی نسبت به اخذ روایات «موثوق بهم و بروایاتهم» داشته قرینه‌ای است بر اینکه تمامی این ۳۱ روایت معتبر می‌باشد.

### \* نتیجه گیری

در این مقاله، تمرکز نگارنده بر یکی از روش‌های بازیابی کتب حدیثی بود که به نام «تطبیق سند روایات با طرق منتهی به صاحبان کتب در فهرست‌ها» شناخته می‌شود.

۱. با استفاده روش مذکور و همچنین با بهره‌گیری از قرائن دیگر، موفق به بازیابی ۳۱ حدیث از کتب علی بن حسن طاطری شد. از این تعداد: ۲۷ مورد از کتاب الصلاة؛ ۳ مورد از کتاب النکاح؛ ۱ مورد از کتاب الطلاق یافت شد.

۲. بازیابی این احادیث نشان‌دهنده ارزش استفاده از روش‌های مختلف برای شناسایی متون حدیثی است. قطعاً به‌کارگیری سایر روش‌های معرفی شده در مقاله می‌تواند منجر به بازیابی احادیث بیشتری از این منابع شود که نیاز به بررسی و پژوهش‌های جداگانه دارد.

۳. این پژوهش تأکید می‌کند که بازیابی کتب حدیثی یا به‌دست آوردن بخشی از احادیث آن‌ها، می‌تواند به‌عنوان یک سند معتبر به شمار آید و در کنار قرائن دیگر، احادیثی را از درجه ضعف خارج کرده و معتبر جلوه دهد که به دلیل عدم آگاهی از احوال رجال موجود در اسناد، ضعیف قلمداد شده بودند.

## منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳ش). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جماعة المدرسین.
۲. پهلوان، منصور؛ طارمی راد، حسن؛ سهیلی، محمد حسین (۱۳۹۶ش). بازسازی کتاب الحج معاویة بن عمار و ارزیابی طرق روایت آن با تأکید بر احادیث زیارت. *پژوهش‌های قرآن و حدیث*. ۵۰(۱)، صص ۳۳-۵۹. DOI: [10.22059/jqst.2017.211536.668689](https://doi.org/10.22059/jqst.2017.211536.668689)
۳. خانی، حامد (۱۳۹۱ش). روشی برای بازسازی کتاب المزار سعد بن عبدالله اشعری. *پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی*. ۴۵(۱)، صص ۲۹-۶۱. DOI: [10.22059/jhic.2012.55326](https://doi.org/10.22059/jhic.2012.55326)
۴. دلبری، سیدعلی (۱۳۹۵ش). *آشنایی با اصول علم رجال*. چاپ سوم. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۵. ربانی، محمدحسن (۱۳۸۹ش). *دانش درایة الحدیث همراه با نمونه‌های حدیثی و فقهی با تحریری نو*. چاپ اول. مشهد: واحد نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۶. شبیری زنجانی، سید محمدجواد (۱۴۱۹ق = ۱۳۷۷ش). *الکاتب النعمانی و کتابه الغیبة. علوم حدیث*. ۳(۳)، صص ۱۷۵-۲۳۸.
۷. شبیری زنجانی (۱۳۸۰ش). منبع شناسی: نعمانی و مصادر غیبت ۱. *انتظار موعود*. ۱(۲)، صص ۲۴۶ تا ۲۵۹.
۸. شیرازی، سیدرضا؛ ملکی، محمود (۱۴۰۱ش). ارزیابی حدیث به روش «تحلیل فهرستی»: دیدگاه‌ها و مبانی. *مطالعات قرآن و حدیث*. ۱۵(۲)، صص ۲۵-۵۶. DOI: [10.30497/qhs.2021.241215.3340](https://doi.org/10.30497/qhs.2021.241215.3340)
۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق). *فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق). *رجال الطوسی*. قم: جماعة المدرسین.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. چاپ اول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تحقیق حسن موسوی خراسان. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). *العدة فی أصول الفقه*. چاپ اول. قم: محمدتقی علاقبنیدیان.

۱۴. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲ق). *رجال العلامة الحلی*. مصحح محمد صادق بحر العلوم. قم: الشریف الرضی.
۱۵. عمادی حائری، محمد (۱۳۸۸ش). *بازسازی متون کهن حدیث شیعه (روش، تحلیل، نمونه)*. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر.
۱۶. عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۸ش). *بازسازی متون کهن حدیث شیعه روش، تحلیل، نمونه. کتاب ماه دین*. ۱۲ (۱۳۹)، ص ۴۴.
۱۷. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۳ش). *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*. ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان. قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام.
۱۸. مردانی، مهدی (۱۳۹۳ش). مبانی و روش‌های بازیابی متون حدیثی کهن در سایه بازیابی کتاب زید بن وهب. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. ۱۱ (۱)، صص ۱۴۷-۱۷۵.  
DOI: [10.22051/tqh.2014.922](https://doi.org/10.22051/tqh.2014.922)
۱۹. مفید، عباس (۱۴۰۰ش). *تاریخ حدیث مکتوب شیعه در دوران نخستین*. چاپ دوم. قم: معارف اهل بیت الطاهرین.
۲۰. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). *رجال النجاشی*. چاپ ششم. قم: جامعه مدرسین.

## References

1. Ibn Bābawayh, M. b. ‘A. (1984). *Man lā yaḥḍuruḥu al-faqīh* (Vol. 4). Qom: Jamiat al-Mudarrisin. [In Arabic]
2. Pahlavān, M., Tāremī Rād, H., & Soheyli, M. H. (2017). Reconstruction of *Kitāb al-Hajj* by Mu‘āwiyah ibn ‘Ammār and evaluation of its narration chains with emphasis on pilgrimage ḥadīths. *Journal of Quranic and Hadith Studies*, 50(1), 1–25. [In Persian]
3. Khānī, H. (2012). A method for reconstructing *Kitāb al-Mazār* by Sa‘d ibn ‘Abd Allāh al-Ash‘arī. *Journal of Islamic Civilization History*, 45(1), 1–20. Spring and Summer 2012. [In Persian]
4. pahlavan, M., Taromi Rad, H. and soheili, M. H. (2017). The Reconstruction of Al-Hajj, Mua'wiyah Ibn Ammar's Book, and the Evaluation of Its Chains of Narration with Emphasis on Pilgrimage Hadiths. *Quranic Sciences and Tradition*, 50(1), 33-59. doi: 10.22059/jqst.2017.211536.668689 [In Persian]
5. Delbari, Seyed Ali (2016). *Āshnāyī bā uṣūl-i ‘ilm-i rijāl* [An introduction to the principles of ‘ilm al-rijāl] (3rd ed.). Mashhad: Intishārāt-i Dānishgāh-i ‘Ulūm-i Islāmī-i Raḍawī (Islamic Sciences University of Razavi Publications) [In Persian]
6. Rabbānī, Mohammad. Ḥasan, (2010). *Dānish-i dirāyat al-ḥadīth hamrah bā namūna-hā-yi ḥadīthī wa fiqhī* [Knowledge of Dirayat al-Hadith along with Hadith and Jurisprudential Examples in a New Compilation]. Mashhad: Intishārāt-i Dānishgāh-i ‘Ulūm-i Islāmī-i Raḍawī (Islamic Sciences University of Razavi Publications), 1st edition [In Persian]
7. Shobeyrī Zanjānī, S. M. J. (2001). Manba‘-shināsī: Nu‘mānī wa maṣādir-i ḡhaybat [Source studies: Nu‘mānī and his sources on occultation]. *Entizar-e-Moud*, 1(2), 246-259. [In Persian]
8. Shirazi, S. R. and Maleki, M. (2022). Evaluation of Hadith by "List Analysis" Method: Views and Basics. *Quran and Hadith Studies*, 15(2), 25-56. doi: 10.30497/qhs.2021.241215.3340 [In Persian]
9. Tūsī, M. b. H. (1427 AH.). *Rijāl al-Ṭūsī*. Qom: Jama'at al-Mudarrisin. [In Arabic]
10. Tūsī, M. b. H. (1420 AH.). *Fihrist kutub al-shī‘ah wa uṣūluhum wa asmā’ al-muṣannifīn wa aṣḥāb al-uṣūl*. Qom: Maktabat al-Muḥaqqiq al-Ṭabāṭabā’ī Library. [In Arabic]

11. Ṭūsī, M. b. Ḥ. (1390 AH.). *Al-Istibṣār fīmā ikhtalafa min al-akhbār*. Tehran: 1st edition. [In Arabic]
12. Ṭūsī, M. b. Ḥ. (1417 AH.). *Al-'Uddah fī uṣūl al-fiqh*. Qom: 1st edition. [In Arabic]
13. Ṭūsī, M. b. Ḥ. (1407 AH.). *Tahdhīb al-aḥkām* (Khorāsānī edition, 4th ed.). Tehran. [In Arabic]
14. 'Allāma Ḥillī, Ḥ. b. Y. (1402 AH.). *Rijāl al-'Allāma al-Ḥillī* (M. Ṣ. Baḥr al-'Ulūm, Ed.). Qom: Al-Sharīf al-Raḍī. [In Arabic]
15. Emādī Ḥā'irī, S. M. (2009). *Bāzsāzī-i mutūn-i kuhan-i ḥadīth-i shī'ah: Rawish, taḥlīl, namūna* [Reconstruction of ancient Shī'a ḥadīth texts: Method, analysis, and examples]. *Journal of Kitāb-i Māh-i Dīn*, 139, 1–30. [In Persian]
16. Emadi Haeri, Seyed Mohammad. (2009). *Bāzsāzī-i mutūn-i kuhan –e- ḥadīth –e- shī'ah: Rawish, taḥlīl, namūna* (Reconstruction of Ancient Shiite Hadith Texts: Method, Analysis, and Examples) Qom: Mu'assisa-i 'Ilmī Farhangī Dār al-Ḥadīth. [In Persian]
17. Modarressi Ṭabāṭabā'ī, Ḥ. (2004). *Mīrāth –e- maktūb –e- shī'ah az seh qarn –e- nukhustīn –e- hijrī* [The written heritage of the Shī'a from the first three centuries] ('A. Qarā'ī & R. Ja'fariyān, Trans.). Qom: Kitābkhāna –e- Takhaṣṣuṣī –e- Tārīkh-i Islām. [In Persian]
18. Mardani, M. (2014). Mabānī wa rawish-hā-yi bāzyābī-i mutūn-i ḥadīthī-i kuhan dar sāya-i bāzyābī-i kitāb-i Zayd ibn Wahb [Foundations and methods of retrieving ancient ḥadīth texts in light of reconstructing Zayd ibn Wahb's book]. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 11(1), 147-175. doi: 10.22051/tqh.2014.922 [In Persian]
19. Mufīd, 'A. (1400 SH). *Tārīkh-i ḥadīth-i maktūb-i shī'ah dar dawrān-i nukhustīn* [The history of Shī'a written ḥadīth in the early centuries] (2nd ed.). Qom: Ma'ārif-i Ahl al-Bayt al-Ṭāhīrīn. [In Persian]
20. Najāshī, A. b. 'A. (1365 SH). *Rijāl al-Najāshī* (6th ed.). Qom: Jama'at al-Mudarrisin. [In Arabic].